۱۴۷-۱۶۷

تأثیر تعارض والد - فرزند و عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجیگری سبکهای هویت در دانش‌آموزان دختر*

◈ شهناز محمدی[۱] ◈ دکتر مه‌سیما پورشهریاری[۲] ◈ دکتر یحیی یاراحمدی[۳]

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تعارض والد- فرزند و عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجیگری سبکهای هویت در دانش‌آموزان دختر انجام شده است. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر کرمانشاه بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌های پرخاشگری آیزنک و گلن ویلسون (۱۹۷۵)، تعارض والد- فرزند فاین و همکاران (۱۹۸۳)، عملکرد خانواده اصلی هاوشتات و همکاران (۱۹۸۵) و سبکهای هویت برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳) بود که روایی و پایایی آنها در پژوهش حاضر با استفاده از روایی محتوا و تحلیل عاملی تأییدی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به تأیید رسید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و به‌کارگیری نرم‌افزارهای SPSS25 و Smartpls3 انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که تعارض والد - فرزند و عملکرد خانواده اصلی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق سبکهای هویت بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر کرمانشاه تأثیرگذار بوده است. براساس نتایج می‌توان با کاهش تعارض والد-فرزند، تقویت عملکرد خانواده و همچنین هدایت صحیح سبکهای هویت، پرخاشگری در دانش‌آموزان را کاهش داد.

کلید واژگان: تعارض والد - فرزند، عملکرد خانواده اصلی، پرخاشگری، سبکهای هویت

◉ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۸ ◉ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

* *این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.*

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. **E-mail:** shmohamadi.8081@gmail.com

۲. **نویسنده مسئول:** دانشیار بازنشسته گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. **E-mail:** pourshahriari@alzahra.ac.ir

۳. استادیار گروه روانشناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. **E-mail:** yyarahmadi@gmail.com

مقدمه

دوران کودکی تا نوجوانی زمانی بسیار مهم برای مطالعه پرخاشگری[1] است، زیرا اگرچه بسیاری از پژوهشهای پیشین نشان داده‌اند که این رفتارهای پرخاشگرانه در طول رشد آدمی وجود دارند، اما شیوع آنها در طول دوران کودکی تا نوجوانی تغییر می‌کند (میتر[2] و همکاران،۲۰۲۱). روانشناسان اجتماعی پرخاشگری را رفتاری آگاهانه می‌دانند که هدفش اعمال درد و رنج جسمانی یا روانی است (ژی[3] و همکاران، ۲۰۱۶). پرخاشگری و خشونت از سنین پایین شروع می‌شود و در طول زندگی فرد ادامه می‌یابد، با این حال می‌توان بیشترین بروز آن را به دوران نوجوانی و جوانی نسبت داد (اندرسون و کارنجی[4]، ۲۰۰۹). شایان ذکر است که دانش‌آموزانی که پرخاشگرتر از دیگران‌اند، در عملکرد کلی تحصیلی در مدرسه دچار مشکلاتی اساسی‌اند و اغلب رفتارهای منفی یا ضداجتماعی در دوره جوانی و بزرگسالی از خود نشان می‌دهند که این امر می‌تواند بر همهٔ جنبه‌های زندگی فردی، اجتماعی و روانی آنها تأثیر منفی بگذارد (میتر و همکاران،۲۰۲۱؛ لی[5] و همکاران،۲۰۲۰). بنابراین پرخاشگری یک عامل مخاطره‌آمیز برای سلامت روان و سازگاری روانی اجتماعی نوجوانان به‌شمار می‌آید (مور[6] و همکاران، ۲۰۱۴؛ اوزدمیر و استاتین[7]، ۲۰۱۱).

پرخاشگری در میان دختران نوجوان با پیامدهای جدی در فرهنگها و کشورهای گوناگون همراه است و یک نگرانی اساسی برای نوجوانان تلقی می‌شود و این نگرانی با مشاهده پرخاشگری فیزیکی در میان دختران به اوج خود می‌رسد (بوجانا[8] و همکاران، ۲۰۱۶؛ نیوت[9] و همکاران، ۲۰۱۹). طبق جدیدترین پژوهشها ۶۸/۳ درصد از نوجوانان دختر، درگیر پرخاشگری روان‌شناختی بودند (مونیوز - فرناندز و سانچز - خیمنز[10]، ۲۰۲۰) که این امر ضرورت پژوهش بیشتر در حوزه رفتارهای پرخاشگرانه دختران را ایجاب می‌کند (بوتین[11] و همکاران،۲۰۲۱).

بر اساس نظریه تحریک شناختی[12]، حالت هیجانی عصبانیت و پرخاشگری ناشی از شناخت فرد از کلمات و مفاهیم به عنوان ابزار عصبانی‌کننده و توهین‌آمیز است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۶). بر اساس این نظریه رفتار پرخاشگری ریشه در عدم فرصت یادگیری دارد، یعنی فرد به علت اینکه فرصت یادگیری

1. Aggression
2. Meter
3. Xie
4. Anderson & Carnagey
5. Lei
6. Moore
7. Özdemir & Stattin
8. Bojana
9. Nivette
10. Muñoz-Fernández & Sánchez-Jiménez
11. Boutin
12. Cognitive stimulation

نداشته و یک موجود ناپخته است، نمی‌داند که نسبت به یک محرک چگونه عمل کند. لذا ممکن است به‌صورت پرخاشگری از خود واکنش نشان دهد، همچنین گاهی رفتار پرخاشگرانه ناشی از یک احساس ناامنی است که در حقیقت این رفتار یک پاسخ دفاعی به وضعیت ناامنی است که در آن قرار گرفته است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین براساس فرضیه ناکامی - پرخاشگری دلارد[1] و همکاران (۱۹۳۹)، پاسخ ناکامی پرخاشگری یعنی رفتار دشمنانه و تند به هنگام عدم‌سازگاری با موفقیت در این رفتار در زندگی روزمره ارتباط نزدیک با ناکامی دارد.

نوجوانی دوره‌ای از تغییرات سریع زیستی و روانی است که تأثیری چشمگیر بر روابط والدین و فرزندان می‌گذارد. برای مثال تلاش فزاینده نوجوان برای دستیابی به خودمختاری و استقلال می‌تواند منجر به تعارضات والد - فرزندی[2] در اوایل نوجوانی شود (مستروتئودوروس[3] و همکاران، ۲۰۲۰؛ سمتانا و روته[4]، ۲۰۱۹؛ برانجه[5]، ۲۰۱۸). این تعارضات به‌عنوان وضعیتی ناسازگار، اختلاف عقیده یا یک مخالفت رفتاری تعریف‌شده است (لهو - کادمیل و برونشتاین - کلومک[6]، ۲۰۱۸) و یکی از راههای مقابله‌ای غیرسازنده نوجوانان با این تعارضات، رفتارهای پرخاشگرانه و به گونهٔ وسیع‌تر بزهکاری است (مرین[7] و همکاران، ۲۰۱۸؛ میلر[8] و همکاران، ۲۰۱۷؛ کوکرل و موئن[9]، ۲۰۲۱؛ وانگ[10] و همکاران، ۲۰۲۱).

یکی دیگر از عوامل مرتبط با پرخاشگری در نوجوانان «عملکرد خانواده اصلی[11]» است که به توانایی خانواده در انجام دادن وظایفی که به‌عهده دارد، نقش خانواده در زندگی انسان و رشد اجتماعی اشاره دارد (روئیز استبان[12] و همکاران، ۲۰۲۱؛ جیا[13] و همکاران، ۲۰۲۱). خانواده اصلی از طریق عملکرد و تجارب اولیه خانواده به‌شدت بر رشد فرد تأثیر می‌گذارد و درک فرد از این تجارب و نحوهٔ انطباق با آنها ممکن است کیفیت روابط فرد را تحت‌تأثیر قرار دهد (جیا و همکاران، ۲۰۲۱؛ روئیز استبان و همکاران، ۲۰۲۱؛ رولینز[14] و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهشهای متعدد نشان داده‌اند که عملکرد خانواده می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر رشد و سطح تاب‌آوری فرزندان تأثیر بگذارد و فرد را مستعد بروز رفتار

1. Dallard
2. Parent-child conflicts
3. Mastrotheodoros
4. Smetana & Rote
5. Branje
6. Lahav-Kadmiel & Brunstein-Klomek
7. Merrin
8. Miller
9. Cockrell & Moen
10. Wang
11. Original family function
12. Ruiz-Esteban
13. Jia
14. Rollins

پرخاشـــگرانه کند (اولیـــوروس و کلمن[1]،۲۰۲۱؛ جیا و همکاران،۲۰۲۱). علاوه بر این رشـــد ویژگیهای روانی، اجتماعی و عاطفی در بزرگسالی مانند گرایش به رفتارهای پرخطر و پرخاشگری، سلامت روان و تاب‌آوری نیز به شدت تحت‌تأثیر جو خانواده، تجارب اولیه جسمی و ذهنی از خانواده مبدأ و رفتارهای والدینی به‌یادمانده از دوران کودکی است (اولیوروس و کلمن، ۲۰۲۱؛ ژانگ[2] و همکاران،۲۰۱۶). اگرچه می‌توان نتیجه گرفت که غالب پژوهشها به‌طور پیوسته تائید می‌کنند که تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی با پرخاشگری مرتبط هســـتند (میتر و همکاران،۲۰۲۱؛ لد[3]، ۲۰۰۵؛ مستروتئودوروس و همکاران،۲۰۲۰؛ ســـمتانا و روته،۲۰۱۹؛ زاگفکا[4] و همکاران،۲۰۲۱؛ اولیـــوروس و کلمن،۲۰۲۱؛ جیا و همکاران،۲۰۲۱؛ ایتاهاشـــی[5] و همکاران،۲۰۲۰)، اما علل اینکـــه این تعارضات والد - فرزندی و عملکرد خانواده اصلی چگونه موجب پرخاشـــگری می‌شـــود، هنوز به‌وضوح روشـــن نیســـت (یه[6]،۲۰۱۱؛ یه و همکاران،۲۰۱۰؛ پورسینا و همکاران،۱۳۹۳).

طبق نظریه یادگیری اجتماعی نیز احتمال بروز، سیر و پیشرفت رفتار پرخاشگرانه به شکلی قابل‌توجه با عملکرد والدین در ارتباط و تعامل است (اکرز و جنینگز[7]،۲۰۰۹)، بنابراین توجه به تأثیر تعارض موجود میـــان والد - فرزند و عملکرد خانـــواده اصلی به‌عنوان دو مفهوم مهم و حیاتی در درک چرایی این رفتار به‌کرات مورد بررسی و تائید پژوهشـــگران قرارگرفته است(میتر و همکاران،۲۰۲۱؛ مستروتئودوروس و همکاران،۲۰۲۰؛ ســـمتانا و روته، ۲۰۱۹؛ زاگفکا و همـــکاران،۲۰۲۱؛ اولیوروس و کلمن،۲۰۲۱؛ ژانگ و همکاران،۲۰۱۶؛ ایتاهاشی و همکاران،۲۰۲۰). با این‌حال شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تأثیر این دو مفهوم مستقیماً سبب بروز آسیب و اختلال روانی و رفتاری در فرزندان نمی‌شود و احتمال آن وجود دارد که عوامل واسطه‌گری موجب تأثیر تعارض والد - فرزند و کارکرد معیوب خانواده اصلی بر مشکلات رفتاری فرزندان ازجمله پرخاشگری می‌شود (فلدمن[8] و همکاران،۲۰۱۰؛ میچیلس[9] و همکاران، ۲۰۰۸).

یکی دیـگر از عنـاصـر مهـم و قـابل پیونـد بـا هـویت و سبکهای آن در نـوجـوانـان، خـانـواده اسـت. بی‌شک شکل‌گیری هویت و فردیت هر نوجوان تحت‌تأثیر وراثت و محیط زندگی اوست (شارما[10]، ۲۰۱۲)، از این رو وجود الگوهای نامناســـب در خانواده، روابط نادرست والدین با نوجوان ازنظر محبت و عواطف، روابط نامنســـجم و ناپایدار خانوادگی و عدم‌انســـجام بین خانواده اثرات مخربی بر روحیه او می‌گذارند

1. Oliveros & Coleman
2. Zhong
3. Ladd
4. Zagefka
5. Itahashi
6. Yeh
7. Akers & Jennings
8. Feldman
9. Michiels
10. Sharma

(میرزایی‌کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهشـــگران نشان دادند که حل تعارض والد - فرزند و عملکرد مثبت خانوادهٔ اصلی به فرزندان کمک می‌کند تا هویت مثبتی کســـب کنند، اســـتقلال خود را افزایش دهند و احتمال بروز مشکلات رفتاری و ارتباطی را در آینده کاهش دهند (فطریانی[1] و همکاران،۲۰۲۰؛ جونـــا[2] و همکاران،۲۰۱۷؛ گاردنر[3] و همکاران،۲۰۱۱؛ دیمیتریـــوا[4] و همکاران، ۲۰۰۴؛ بوبولتز جونیور[5] و همکاران، ۲۰۰۳).

طبق نظریه رشـــد روانی - اجتماعی اریکســـون[6] (۱۹۶۸) ایجاد یک حس پایدار و منسجم از هویت شخصی یک وظیفه رشدی در نوجوانی است که شامل توانایی خود برای ترکیب و ادغام هویتهای مهم اولیه در شکلی جدید است که منحصربه‌فرد است. از زمانی که اریکسون نخستین بار فرایند شکل‌گیری هویت را ارائه کرد، تلاشهای بسیار برای عملیاتی کردن و مطالعه این مفهوم صورت گرفته است. یکی از موثرترین این تلاشها، مدل هویتی است که مارسیا[7] (۱۹۶۶) به جهان روانشناسی معرفی کرده است. مدل هویت - وضعیت مارسیا، تفاوتهای فردی در شکل‌گیری هویت را در امتداد ابعاد کاوش و تعهد تعریف می‌کند. برزونسکی[8] (۱۹۸۹) نیز مدلی از هویت و سیستم طبقه‌بندی مبتنی بر راهبردهای شناختی- اجتماعی مورداســـتفاده افراد در فرایند ساختاردهی وضعیت هویت ارائه کرده است. او با تمرکز بر فرایند کاوش، سه دســـته متمایز از سبکهای هویت[9] را متمایز می‌کند: ســـبک اطلاعاتی[10]، سبک هنجاری[11] و سبک سردرگم-اجتنابی[12]. سبک اطلاعاتی شامل فرایند اکتشاف یا جستجوی فعال و ارزیابی اطلاعاتی است که با هویت مرتبط است، پیش از تصمیم‌گیری و ایجاد تعهدات (برزونسکی،۱۹۹۰). سبک هنجاری شامل تکیه‌بر هنجارها و انتظارات افراد مهم (مثلاً والدین و شـــخصیتهای مرجع) هنگام رویارویی با اطلاعات یا مسائل مربوط به هویت است و سبک پراکنده - اجتنابی شامل اجتناب از مسائل شخصی و به تعویق انداختن تصمیمات است تا زمانی که خواسته‌های موقعیتی رفتار آنها را دیکته کند (اونگن[13]،۲۰۱۱).

فکر و رفتارهای پرخاشگرانه از طریق سبکهای هویت نیز پیش‌بینی می‌شود (الهام[14]،۲۰۱۶؛ واترمن[15]،

1. Fitriyani
2. Jona
3. Gardner
4. Dmitrieva
5. Buboltz
6. Erikson
7. Marcia
8. Berzonsky
9. Identity styles
10. Informational identity style
11. Normative identity style
12. Diffuse-avoidant identity style
13. Öngen
14. Elham
15. Waterman

۲۰۰۷؛ ولیوراس و بسمه[1]، ۲۰۰۵؛ آرچر[2]، ۱۹۸۲؛ برزونسکی، ۱۹۹۰؛ ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۹۴). در تأیید این پیش بینی می‌توان گفت که در دیدگاه برزونسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۰) افراد دارای هویت سردرگم -اجتنابی معمولاً انتظار شکست و ناکامی ندارند و به دلیل عدم انعطاف‌پذیری و اعتماد به دیگران و ضعف در برقراری روابط صمیمانه، با مشکلات اجتماعی و تحصیلی بسیار روبه‌رو می‌شوند و معمولاً پیش از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب دارند. در این سبک نوجوان به‌ندرت می‌تواند تکانه‌های هیجانی مانند خشم را کنترل کند (الهام، ۲۰۱۶؛ ولیوراس و بسمه، ۲۰۰۵؛ متقی‌فر، ۱۳۸۳).

با توجه به پیشینه گفته شده، ازآنجایی‌که ایران اسلامی تفاوتهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیار با سایر کشورها (به‌ویژه کشورهای آمریکایی و اروپایی) دارد و مشکلات نوجوانان و دانش‌آموزان در متن فرهنگ و اجتماع و حتی شرایط اقتصادی کشور ایران شکلی متفاوت به خود می‌گیرد، بنابراین به منظور کسب بینشی از میزان پرخاشگری دانش‌آموزان دختر و تعیین مدلی بر مبنای متغیرهای ذکرشده این موضوع پژوهشی ضرورت پیدا می‌کند. در پژوهش حاضر با توجه به فرهنگ ایرانی - اسلامی و در جهت تداوم و گسترش پژوهشهایی که در بیان مسئله به آنها اشاره شد فرض بر این است که سبکهای هویت می‌توانند رابطه میان تعارض والد -فرزند، عملکرد خانواده اصلی و پرخاشگری را میانجیگری کنند؛ بنابراین مطالعه حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که تعارض والد -فرزند و عملکرد خانواده اصلی با میانجیگری سبکهای هویت در دانش‌آموزان چه تأثیری بر پرخاشگری در دانش‌آموزان دختر دارد؟

روش

روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن روابط میان متغیرها در قالب مدل ساختاری مورد مطالعه قرار گرفته است. جامعه آماری عبارت بود از همهٔ دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شهرستان کرمانشاه مشغول به تحصیل بودند. نمونه‌های آماری براساس روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴نفر به‌دست آمد. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که پس از دریافت مجوزهای لازم از آموزش و پرورش کل استان کرمانشاه و اخذ آمار کل دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم، ابتدا شهر کرمانشاه به سه ناحیه طبق تقسیم‌بندی آموزش و پرورش تقسیم شد و از میان نواحی آموزش و پرورش استان به شکل تصادفی، دو ناحیه انتخاب شد، سپس از میان مدارس متوسطه موجود در هر ناحیه، سه مدرسه به تصادف انتخاب شد و در مرحله بعد از هر مدرسه و از هر سه رشته ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در دوره متوسطه دوم یک کلاس انتخاب و از دانش‌آموزان آن کلاس درخواست شد که به‌صورت

1. Vleioras & Bosma
2. Archer

داوطلبانه و آگاهانه و رضایتمندانه پرسشـــنامه‌ها را تکمیل کنند. همچنین نمونه‌ها هر زمان که تمایل داشتند می‌توانستند از پژوهش خارج شـــوند تا نمونه‌هـایی دیـگر جایگزین شوند. به منظور گردآوری داده‌های موردنیاز در اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از چهار پرسشنامه ذیل استفاده شده است.

- **پرسشنامه پرخاشگری:** آیزنک و گلن ویلسون[1] در سال ۱۹۷۵ این پرسشنامه را طراحی کردند که از طریق ۳۰ گویه، میزان پرخاشـــگری را در افـــراد و دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این مقیاس، نمره‌ها در طیف ســـه درجه‌ای (بله = ۲، خیر = ۰، نمی‌دانم = ۱) مشخص می‌شود. حداکثـــر نمـــره در این آزمـــون ۶۰ و حداقل آن صفر اســـت. روایی این آزمـــون را آیزنگ تائید کرده اســـت. به این ترتیب کـــه آن را برای انجام دادن کارهای کلینیکـــی تهیه و روی بیش از ۱۲۰۰۰۰ زن، مـــرد، کودک، افراد بالغ، بهنجـــار، عصبی، بیمار روانی، تبهکار و ضمناً ۲۰۰۰ زوج دوقلـــو و علاوه بر آن تعداد زیـــادی افراد بالغ و کودک نیز که در تهیـــه الگوهای اولیه هنجارها از آنها استفاده‌شـــده بود، اجرا کرده و دامنه ضرایب پایایی آلفای‌کرونباخ این پرسشنامه از ۰/۶۹ تا ۰/۷۴ بوده اســـت (آیزنگ، ۱۹۷۵، به‌نقل از شـــایق‌بروجنی و همـــکاران، ۱۳۹۸). در پژوهش درتاج و همکاران (۱۳۸۸)، روایی پرسشـــنامه مطلوب بوده و دامنه ضرایب پایایی آلفای‌کرونباخ این پرسشنامه از ۰/۶۹ تا ۰/۷۴ به‌دست آمده است. همچنین در پژوهش حاضر ، اعتبار آن با روش آلفای‌کرونباخ ۰/۷۰۲ به‌دست آمده است.
- **پرسشـــــنامه تعارض والد - فرزند:** این پرسشـــنامه را فاین[2] و همـــکاران (۱۹۸۳)، به‌منظور سنجیدن کیفیت روابط والد - فرزند در قالب سه تاکتیک حل تعارض یعنی استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی ادراک‌شده. این ابزار شامل ۱۵ گویه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱ تا خیلی‌زیاد = ۵) است. دامنه نمرات برای کل آزمون ۱۵ تا ۷۵ است که نمره ۱۵ نشان‌دهنده عدم تعارض و نمره ۷۵ نشان‌دهنده وخیم بودن رابطه است. روایی و پایایی این ابزار در پژوهش ســـازندگان (فاین و همکاران، ۱۹۸۳) بررسی و تائید شده است. در پژوهش زابلی و همکاران (۱۳۸۴) روایی پرسشـــنامه مطلوب ارزیابی شد و برای ارزیابی پایایی روی ۴۶ نفر اجرا شـــد که اعتبار آن برای کل آزمون ۰/۷۴ و برای خرده‌مقیاس استدلال ۰/۵۸، پرخاشگری کلامی ۰/۶۵ و پرخاشـــگری فیزیکی ۰/۸۲ گزارش شده است. همچنین در پژوهش حاضر، اعتبار آن با روش آلفای‌کرونباخ ۰/۸۲۶ به‌دست آمده است.
- **پرسشـــــنامه عملکرد خانواده اصلی:** این پرسشنامه را هاوشـــتات[3] و همکاران (۱۹۸۵) تهیه کرده‌اند و برای ســـنجیدن ادراک و اســـتنباط فرد از میزان سلامت خانواده اصلی‌اش تدوین‌شده

1. Eysenck & Wilson
2. Fine
3. Hovestadt

است. این ابزار شامل ۴۰ گویه است و در طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) اســـت. دامنه نمرات از ۴۰ تا ۲۰۰ است که نمرات بالاتر نشانهٔ سلامت بیشتر خانواده اصلی است. روایی پرسشنامه را سازندگان (هاوشتات و همکاران،۱۹۸۵) تأیید کرده‌اند و پایایی آن نیز براساس آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و از طریق باز آزمایی دوهفته‌ای در بعد استقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۳ برآورد شـــده اســـت. در ایران، ضرایب آلفای به‌دست آمده در پژوهش حسینیان و همـــکاران (۱۳۸۶) بـــرای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای ابعاد اســـتقلال و صمیمیت به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۹ بوده اســـت. همچنین روایی این مقیاس مورد تائید چند تن از اســـتادان مشـــاوره کشور قرارگرفته است (حسینیان و همکاران، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر، اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱۰ به‌دست آمده است.

- **پرسشنامه سبکهای هویت:** برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳) این پرسشنامه را طراحی کرده‌اند که از طریق ۲۷ گویه ســـه ســـبک پردازش هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی (یعنی هر بعد ۹ گویه) را می‌ســـنجد. نســـخه پنجم حاوی مقیاس نه‌گویه‌ای سبک اطلاعاتی با ضریب ۰/۷۴، مقیاس نه گویه‌ای ســـبک هنجاری با ضریب ۰/۷۵ و مقیاس نه‌گویه‌ای ســـبک سردرگم / اجتنابی با ضریب ۰/۷۹ اســـت. در این مقیاس نمره پاسخها بر مبنای طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالف = ۱ تا حدودی مخالف = ۲، مطمئن نیســـتم = ۳ تا حدودی موافق = ۴ و کاملاً موافق = ۵) مشخص می‌شود. برزونسکی و همکاران (۲۰۱۳) ضریب اعتبار این آزمون را در خرده‌آزمونها از ۰/۷۷ تـــا ۰/۸۱ گـــزارش کرده‌اند. در ایران نیـــز مرزبان و همـــکاران (۱۳۹۷) روایی و پایایی این پرسشـــنامه را در نوجوانان موردبررســـی قرار داده‌اند. نتایج این بررسی نشان داده است که ساختار سه عاملی پرسشنامه برازش کافی را دارد. ضرایب آلفای کرونباخ برای سه زیرمقیاس این آزمون از ۰/۶۷ تا ۰/۷۹ به‌دست آمده است. ضرایب بازآزمایی خرده‌مقیاسهای سه‌گانه پرسشنامه از ۰/۷۷ تا ۰/۸۱ به‌دست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نسخه فارسی پرسشنامه سبکهای هویت در نمونه ایرانی از روایی و پایایی مناســـبی برخوردار است و قابلیت استفاده در پژوهش را دارد (مرزبان و همکاران، ۱۳۹۷). ضمناً در پژوهش حاضر، اعتبار آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱۰ به‌دست آمده است.

در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ و در بخش ارائه مدل از معادلات ساختاری و نرم‌افزار smartPLS نسخه ۳ استفاده شده است.

یافته‌ها

در جدول شـــماره ۱، توصیف جمعیت‌شناختی نمونه‌ها بر حسب نوع مدرسه، پایه تحصیلی و گروه سنی نشان داده شده است.

جدول ۱. توصیف جمعیت‌شناختی نمونه های پژوهش

نوع مدرسه	فراوانی	درصد	پایه تحصیلی	فراوانی	درصد	گروه سنی	فراوانی	درصد
دولتی	۲۳۶	۶۱/۵	دهم	۹۵	۲۴/۷	۱۶ سال و پایین‌تر	۹۳	۲۴/۲
غیردولتی	۱۴۸	۳۸/۵	یازدهم	۱۰۳	۲۶/۸	۱۷ و ۱۸ سال	۲۷۳	۷۱/۱
جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰	دوازدهم	۱۸۶	۴۸/۴	بالای ۱۸ سال	۱۸	۴/۷
			جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰	جمع	۳۸۴	۱۰۰/۰

براســـاس نتایج مندرج در جدول شـــماره ۱، نمونه‌های مدارس دولتی، دانش‌آموزان پایه دوازدهم و گروه ۱۷ و ۱۸ سال در دسته‌های گوناگون دارای بیشترین مقدار فراوانی بودند.

در جدول شماره ۲، شاخصه‌های مرکزی و پراکندگی نشان داده شده است.

جدول ۲. شاخصه‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای تحقیق (N=۳۸۴)

متغیر	میانگین	مقدار متوسط	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
تعارض والد -فرزند	۲۶/۱۲۸	۴۵	۱۱/۹۲۲	۱۴۲/۱۲۷	۱/۴۷۹	۱/۸۳۳
عملکرد خانواده اصلی	۱۴۳/۸۱۰	۱۲۰	۱۸/۷۴۳	۳۵۱/۳۱۹	-۰/۷۷۴	۰/۲۴۹
پرخاشگری	۲۲/۴۳۲	۳۰	۱۶/۹۲۳	۲۸۶/۳۹۷	۰/۶۶۶	-۰/۶۹۲
سبک هویت سردرگم- اجتنابی	۲۳/۳۰۷	۲۷	۷/۳۲۴	۵۳/۶۳۴	۰/۱۵۹	-۰/۴۴۸
سبک هویت اطلاعاتی	۲۶/۸۰۸	۲۷	۶/۹۹۱	۴۸/۸۷۷	-۰/۱۸۵	-۰/۴۲۷
سبک هویت هنجاری	۲۷/۸۷۵	۲۷	۵/۹۲۰	۳۵/۰۵۰	-۰/۳۷۷	۰/۱۱۳

بر اساس مندرجات جدول شماره ۲، میانگین متغیرهای تعارض والد - فرزند (۲۶/۱۲۸)، پرخاشگری (۲۲/۴۳۲)، سبک هویت سردرگم - اجتنابی (۲۳/۳۰۷)، سبک هویت اطلاعاتی (۲۶/۸۰۸)، کمتر از مقدار متوسط شاخص است و میانگین متغیرهای عملکرد خانواده اصلی (۱۴۳/۸۱۰) و سبک هویت هنجاری (۲۷/۸۷۵) بیشـــتر از مقدار متوسط شاخص اســـت. همچنین در فرضیه‌های پژوهش، ارتباط مستقیم

تعارض والد - فرزند و عملکرد خانواده اصلی با پرخاشگری و نقش غیرمستقیم و میانجی سبکهای هویت در این ارتباط، مدنظر قرار گرفته است. همچنین پیش‌فرضهای مربوط به آزمون فرضیه‌ها که از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام می‌شود مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها بین ۲ و ۲- بود ، نرمال بودن توزیع داده‌ها تأیید شده است. همچنین به منظور انجام تحلیل عاملی اکتشافی و تعیین مقادیر بارهای عاملی، کافی بودن تعداد نمونه‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آزمون KMO نشان داد که ماتریس همبستگی متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای همبسته است، همبستگی میان داده‌ها مناسب است (KMO = ۰/۷۹۳، P =۰/۰۰۰) و تعداد نمونه‌ها کافی بود. همچنین تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که بارهای عاملی گویه‌ها بالاتر از ۰/۴ و مطلوب بود.

در ادامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی که روی هر یک از متغیرها انجام شد، مقادیر مربوط به اعتبار متغیرها در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. مقادیر میانگین شاخصهای پایایی متغیرها

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	rho_A	پایایی ترکیبی (CR)	میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)
پرخاشگری	۰/۹۴۳	۰/۹۴۷	۰/۹۴۸	۰/۵۸۴
عملکرد خانواده اصلی	۰/۹۵۱	۰/۹۵۳	۰/۹۵۵	۰/۵۴۹
تعارض والد - فرزند	۰/۹۴۷	۰/۹۵۰	۰/۹۵۳	۰/۵۷۵
سبک هویت سردرگم - اجتنابی	۰/۹۱۰	۰/۹۱۶	۰/۹۲۷	۰/۵۸۵
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۹۴۷	۰/۹۵۰	۰/۹۵۳	۰/۵۷۵
سبک هویت هنجاری	۰/۹۷۲	۰/۹۷۴	۰/۹۷۳	۰/۵۷۹

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ می‌توان نتیجه گرفت که اعتبار همهٔ متغیرها (روایی و پایایی) در حد قابل قبولی است (CR > ۰/۷، CR > AVE، AVE > ۰/۵، rho_A > ۰/۷ و ضریب آلفای کرونباخ) و نشان داده شد که تعداد عاملها و بارهای متغیرهایی که روی این عاملها اندازه‌گیری

شـــده‌اند با آنچه براســـاس تئوری و مدل نظری انتظار می‌رفت، انطباق دارند. در جدول شماره ۴ نتایج بررسی شاخصهای برازش مدل ارائه شده است.

جدول ۴. شاخصهای برازش مدل

متغیرهای وابسته	(R^2 (ضریب تعیین	(Q^2 (اعتبار افزونگی	نتیجه
پرخاشگری	۰/۷۲۵	۰/۳۱۳	برازش مناسب
عملکرد خانواده اصلی	۰/۵۱۵	۰/۲۴۶	برازش مناسب
سبک هویت سردرگم-اجتنابی	۰/۴۸۳	۰/۳۹۲	برازش مناسب
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۵۱۱	۰/۲۸۹	برازش مناسب
سبک هویت هنجاری	۰/۵۴۵	۰/۳۳۶	برازش مناسب
شاخص	**مقدار شاخص در مدل**	**مقدار مجاز**	**نتیجه**
GOF	۰/۴۸۳	بالاتر از ۰/۲۵	برازش مناسب
SRMR	۰/۰۷۸	کمتر از ۰/۰۸	برازش مناسب
d-ULS	۵/۲۴۰	کمتر از ۰/۹۵	برازش نامناسب
d-G	۰/۰۹۲	کمتر از ۰/۹۵	برازش مناسب
NFI	۰/۷۰۳	بین صفر تا یک	برازش مناسب

در مجموع با توجه به اینکه مقدار اغلب شاخصهای برازش مدل مناسب بوده‌اند، می‌توان گفت که برازش مدل مطلوب است.

در ادامه، مدل مفهومی پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها با بهره‌گیری از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مجذورات جزئی (PLS)[1] آزمون شده است. مدل پژوهش در حالت ضرایب استاندارد شده در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

1. Partial Least Squares

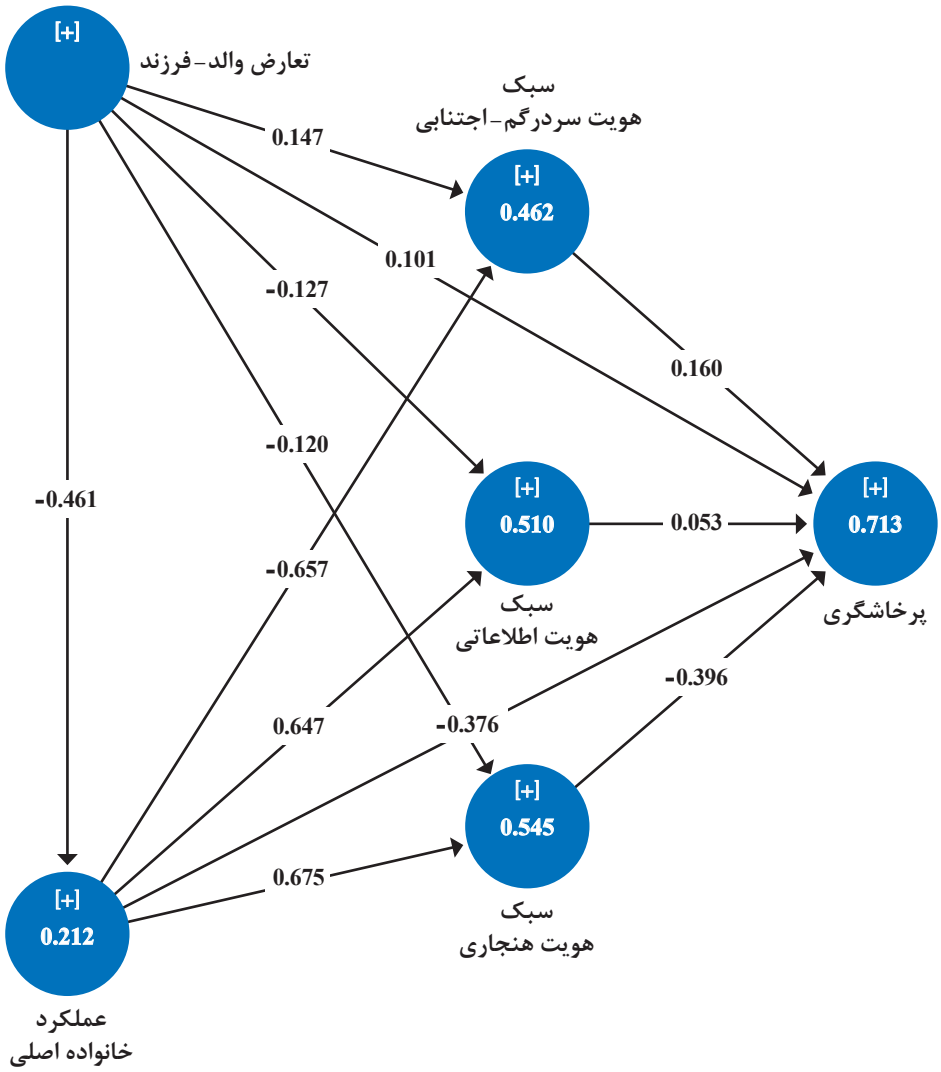

شکل ۱. مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب استاندارد

آزمون مدل پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده، براساس ضرایب مسیر میان متغیرها، در حد قابل قبولی است و سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ بوده است. همچنین مقادیر t در آزمون مسیرها در حالت معناداری، بیشتر از ۱/۹۶ در فاصله اطمینان ۰/۹۵ و یا بیشتر از ۲/۵۸ در فاصله اطمینان ۰/۹۹ است، لذا می‌توان گفت ارتباط میان متغیرها معنادار است. در جدول شماره ۵، مقادیر ضرایب استاندارد شده، مقدار t و سطح معناداری مسیرها نشان داده شده است.

جدول ۵. بررسی ضرایب استاندارد شده، مقدار t و سطح معناداری

ردیف	مسیر رابطه	ضریب	مقدار t	مقدار P	نتیجه
۱	سبک هویت سردرگم - اجتنابی ← پرخاشگری	۰/۱۶۱	۰/۸۹۲	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۲	سبک هویت اطلاعاتی ← پرخاشگری	۰/۰۵۱	۱/۰۷۵	۰/۲۸۳	P>۰/۰۵
۳	عملکرد خانواده اصلی ← پرخاشگری	-۰/۳۷۶	۶/۳۴۹	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۴	عملکرد خانواده اصلی ← سبک هویت سردرگم- اجتنابی	-۰/۶۵۸	۱۶/۶۶۵	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۵	عملکرد خانواده اصلی ← سبک هویت اطلاعاتی	۰/۶۵۰	۱۸/۱۴۹	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۶	عملکرد خانواده اصلی ← سبک هویت هنجاری	۰/۶۷۷	۱۹/۳۵۸	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۷	سبک هویت هنجاری ← پرخاشگری	-۰/۳۹۶	۷/۱۲۰	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۸	تعارض والد-فرزند ← پرخاشگری	۰/۱۰۲	۲/۶۴۸	۰/۰۰۸	P<۰/۰۵
۹	تعارض والد-فرزند ← سبک هویت سردرگم- اجتنابی	۰/۱۴۷	۲/۹۹۱	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۱۰	تعارض والد-فرزند ← سبک هویت اطلاعاتی	-۰/۱۲۶	۳/۵۰۳	۰/۰۰۱	P<۰/۰۵
۱۱	تعارض والد-فرزند ← عملکرد خانواده اصلی	-۰/۴۶۳	۹/۳۶۷	۰/۰۰۰	P<۰/۰۵
۱۲	تعارض والد-فرزند ← سبک هویت هنجاری	-۰/۱۲۰	۳/۱۷۷	۰/۰۰۲	P<۰/۰۵

براساس نتایج جدول شماره ۵، در همهٔ مسیرها (غیر از مسیر ۲)، ارتباط معنادار میان متغیرها وجود داشته است.

ارتباط غیرمستقیم یا میانجی متغیر سبکهای هویت از طریق آزمون سوبل بررسی شده است. در صورت بیشتر شدن مقدار آزمون سوبل از ۱/۹۶ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید کرد. نتایج آزمون سوبل در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون سوبل برای تعیین ارتباط غیرمستقیم متغیرها با پرخاشگری

متغیر مستقل	متغیر میانجی	a	Sa	b	Sb	مقدار سوبل	سطح معناداری
تعارض والد- فرزند	سبک هویت سردرگم- اجتنابی	۰/۱۷۹	۰/۰۲۴	۰/۳۴۰	۰/۰۳۲	۶/۱۰۴	۰/۰۰۰
	سبک هویت اطلاعاتی	-۰/۰۱۷	۰/۰۳۹	۰/۳۴۰	۰/۰۳۲	۰/۴۳۶	۰/۶۶۶
	سبک هویت هنجاری	-۰/۳۵۸	۰/۰۴۶	۰/۳۴۰	۰/۰۳۲	۶/۲۸۷	۰/۰۰۰
عملکرد خانواده اصلی	سبک هویت سردرگم- اجتنابی	۰/۴۰۵	۰/۰۲۵	-۰/۹۳۴	۰/۰۳۹	۴/۱۳۶	۰/۰۰۰
	سبک هویت اطلاعاتی	۰/۰۱۱	۰/۰۳۷	-۰/۹۳۴	۰/۰۳۹	۰/۲۹۷	۰/۷۶۶
	سبک هویت هنجاری	-۰/۲۸۶	۰/۰۴۵	-۰/۹۳۴	۰/۰۳۹	۶-۱۴	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۶، سطح معناداری مقادیر آزمون سوبل برای متغیرهای میانجی سبک هویت سردرگم - اجتنابی و سبک هویت هنجاری کمتر از ۰/۰۵ است. همچنین مقدار سوبل بیشتر از ۱/۹۶ است، بنابراین می‌توان بیان کرد که با احتمال ۹۵ درصد این دو متغیر در رابطهٔ میان تعارض والد-فرزند و عملکرد خانواده اصلی با پرخاشگری، نقش میانجی دارند، در حالی که ارتباط میان متغیر سبک هویت اطلاعاتی تأیید نشده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی ارائه تأثیر تعارض والد - فرزند و عملکرد خانواده اصلی بر پرخاشگری با میانجیگری سبکهای هویت در دانش‌آموزان دختر بود.

یافته‌ها نشان دادند که تعارض والد - فرزند به‌صورت مستقیم بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم تأثیرگذار است. این یافته‌ها همسوست با یافته‌های مرین و همکاران (۲۰۱۸)، میتر و همکاران (۲۰۲۱)، وانگ و همکاران (۲۰۲۱) وکوکرل و موئن (۲۰۲۱) که نشان دادند ویژگیهای ارتباطی والدین با فرزندان، انضباط سخت‌گیرانه والدین، فرزندپروری و تعارضات والد - فرزندی به‌طور مستقل با رفتارهای مشکل‌ساز فرزندان مانند پرخاشگری ارتباط دارند. به‌زعم سمتانا و روته (۲۰۱۹) روابط والدین و فرزند تأثیری چشمگیر بر عملکرد و روابط روانی اجتماعی نوجوانان می‌گذارد. چگونگی تعامل و صحبت والدین با فرزندان می‌تواند با پرخاشگری

فیزیکی و اجتماعی آنها مرتبط باشد. خانواده زمینه‌ای است که در آن فرزندان مهارتها یا نقصهای اجتماعی را به‌دست می‌آورند و سبک تربیت والدین ممکن است به‌مثابه الگویی باشد که کودکان و نوجوانان در تعاملات با همسالان خود از آن تقلید می‌کنند (میتر و همکاران،۲۰۲۱). والدین با یکدیگر و با فرزندانشان رابطه دارند و به‌منزله سرچشمه‌های رفاه وحمایت جسمی و روحی آنها هستند. بر اساس نظریه تحریک شناختی و فرضیه ناکامی - پرخاشگری می‌توان گفت خانه‌ای که محیط آن ویژگیهایی چون نزاع، سرزنش و ناسازگاری دارد بر والدین و فرزندان، هر دو آثاری زیانبار می‌گذارد. نزاعهای شدید میان والدین، احساسات منفی کودکان را در پی خواهد داشت (پیدرسون[1] و همکاران،۱۹۷۷). علاوه بر این یک چارچوب نظری مهم که از آن می‌توان در مورد پیوندهای میان تعارضات والد - فرزند و پرخاشگری فرزند بهره جست، نظریه دلبستگی است. نظریه دلبستگی پیشنهاد می‌کند که تجربیات اولیه خانواده مبنایی مهم برای توسعه روابط بعدی با همسالان است (میچیلس و همکاران، ۲۰۰۸).

بر اساس یافته‌ها، تعارض والد - فرزند به‌صورت مستقیم بر سبکهای هویت تأثیرگذار است. در زمینهٔ نقش میانجی سبک هویت اطلاعاتی بر میزان پرخاشگری می‌توان گفت وجود الگوهای نامناسب در خانواده، روابط نادرست والدین با نوجوان از نظر محبت و عواطف، روابط نامنسجم و ناپایدار خانوادگی و عدم انسجام بین خانواده اثرات مخربی بر روحیه او می‌گذارند (میرزایی‌کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴). در تبیین ارتباط تعارضات با سبک هویت هنجاری، روابط نزدیک و صمیمی فرزندان باوالدین موجب می‌شود که نوجوانان در کشف جهان پیرامون، به خود اعتماد کنند و راههای متفاوتی را برای ارتباط با جهان جستجو کنند و در نتیجه به یکی از این راهها پایبند شوند، به این ترتیب میزان پرخاشگری در نوجوانان کاهش می‌یابد. همچنین در زمینهٔ نقش میانجی سبک هویتی سردرگم - اجتنابی بر پرخاشگری می‌توان گفت خانواده‌هایی که شیوه فرزندپروری آنها، کنترل - محدویت است در هویت‌یابی فرزندان، سردرگمی ایجاد می‌شود (ابوالمعالی‌الحسینی و همکاران، ۱۳۹۸)، همچنین در الگوی ارتباطی آزادی‌مدار، والد - فرزند فرزندانی تربیت می‌شوند که متمرکز بر خواسته‌ها و علایق خودند (باقری، ۱۳۹۲)، که این موضوع پرخاشگری در نوجوانان را تشدید می‌کند.

عملکرد خانواده اصلی به‌صورت مستقیم بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم تأثیرگذار است. این یافته‌ها همسو با یافته‌های اولیوروس و کلمن (۲۰۲۱) است که نشان داده خشونت در خانواده اصلی، پرخاشگری بزرگسالان باهمسرانشان را در آینده پیش‌بینی می‌کند. همچنین این یافته‌ها منطبق با یافته‌های وایزر و وایگل[2] (۲۰۱۷) است که نشان داده افراد تمایل

1. Pederson
2. Weiser & Weigel

دارند الگوهایی را تکرار کنند که در دوران رشد خانواده‌شان مشاهده کرده‌اند. طبق نظریه یادگیری اجتماعی کودکان از الگوهای بزرگسالی که در معرض آنها قرار می‌گیرند، تقلید می‌کنند و رفتار آنها را تکرار می‌کنند (بندورا و والترز[1]، ۱۹۷۷؛ بندورا و همکاران، ۱۹۶۱). این سازوکار کلی همچنین در زمینه نحوه رفتار پرخاشگرانه افراد در روابط خود نشان داده‌شده است. به‌عنوان‌مثال، اولیوروس و کلمن (۲۰۲۱) دریافتند که خشونت در خانواده اصلی، پرخاشگری بزرگسالان با همسرانشان را در آینده پیش‌بینی می‌کند.

بر اساس یافته‌ها عملکرد خانواده اصلی به‌صورت مستقیم بر سبک هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم تأثیرگذار است. در این زمینه می‌توان گفت از میان سبکهای هویت، سبک اطلاعات‌گرا شامل فرایند اکتشاف با جستجوی فعال و ارزیابی اطلاعاتی است که با هویت مرتبط است. به‌زعم برزونسکی (۱۹۹۰) نوجوانان هنگامی‌که با اطلاعات متناقض در مورد خود مواجه می‌شوند، مایل به تجدیدنظر در تصورات خودند که منجر به یک حس متمایز و یکپارچه از هویت شخصی می‌شود. همچنین نوجوانان با سبک هنجاری به‌سختی به ساختار هویت موجود خود پایبندند، زیرا به اطلاعاتی که ارزشها و باورهای آنها را تهدید می‌کند، «بسته‌اند» (اونگن،۲۰۱۱).

یافته‌ها نشان دادند که تعارض والد - فرزند به‌صورت غیرمستقیم با میانجیگری سبکهای هویت بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم تأثیرگذار است. تأثیر سبکهای هویت بر پرخاشگری با یافته تعدادی از پژوهشگران همخوانی دارد (الهام، ۲۰۱۶؛ واترمن، ۲۰۰۷؛ ولیوراس و بسمه،۲۰۰۵؛ آرچر[2]،۱۹۸۲؛ برزونسکی، ۱۹۹۰؛ ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۹۴). افراد باهویت سردرگم - اجتنابی معمولاً انتظار شکست و ناکامی ندارند و به‌دلیل عدم انعطاف‌پذیری و اعتماد به دیگران و ضعف در برقراری روابط صمیمانه، با مشکلات اجتماعی و تحصیلی بسیار روبه‌رو می‌شوند و معمولاً پیش از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب دارند. در این سبک نوجوانان به‌ندرت می‌توانند تکانه‌های هیجانی مانند خشم را کنترل کنند (الهام، ۲۰۱۶؛ ولیوراس و بسمه، ۲۰۰۵؛ متقی‌فر، ۱۳۸۳).

همچنین یافته‌ها نشان دادند که عملکرد خانواده اصلی به‌صورت غیرمستقیم با میانجیگری سبکهای هویت بر پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم تأثیرگذار است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت عملکرد خانواده اصلی به‌منزلهٔ یکی‌از مهم‌ترین عوامل مرتبط با پرخاشگری در نوجوانان است. به‌زعم اولیوروس و کلمن (۲۰۲۱) محیط اولیه خانواده می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر رشد و سطح تاب‌آوری فرزندان تأثیر بگذارد و مطابق با فرضیه ناکام - پرخاشگری فرد را مستعد بروز رفتار پرخاشگرانه کند. طبق نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸)

1. Bandura & Walters
2. Archer

ایجاد یک حس پایدار و منسجم از هویت شخصی یک وظیفه رشدی در نوجوانی است که شامل توانایی خود برای ترکیب و ادغام هویتهای مهم اولیه در شکل جدیدی است که منحصربه‌فرد است. بر اساس مدل هویت - وضعیت مارسیا (۱۹۶۶) تفاوتهای فردی در شکل‌گیری هویت در امتداد ابعاد کاوش و تعهد تعریف می‌شود. به اعتقاد تندوز[1] و همکاران (۲۰۱۴) الگوهای خانواده اصلی مرتبط با خشونت از طریق انتقال بین - نسلی تکرار می‌شوند و به‌صورت پرخاشگری فیزیکی یا کلامی آشکار می‌شوند. از این‌رو می‌توان گفت که اختلال عملکرد در خانواده مبدأ، به‌احتمال زیاد منجر به پرخاشگری در نوجوانان می‌شود (زاگفکا و همکاران،۲۰۲۱).

از مهم‌ترین محدودیتهای پژوهش حاضر، بروز پاندومی کرونا بود که بر فضای حاکم بر پژوهش سایه افکنده بود، از این‌رو گردآوری اطلاعات با دشواری همراه بود و به دلیل افت آماری، به‌ناچار نمونه‌های دیگری جایگزین شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه بود که دارای محدودیتهای ذاتی است.

با توجه به نقش میانجی سبکهای هویت در پیش‌بینی ارتباط میان تعارضات والد - فرزند و عملکرد خانواده با پرخاشگری پیشنهاد می‌شود آموزش مفاهیم سبکهای هویت برای دانش‌آموزان و والدین آنها مورد توجه مسئولان قرار گیرد. در این مورد نقش رسانه های ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی نیز نباید نادیده گرفته شود و همراهی آنان با آموزش‌وپرورش و انجام دادن اقداماتی همسو با یکدیگر می‌تواند در هویت موفق دانش‌آموزان نقشی مؤثر داشته باشد. همچنین به مسئولان نظام تربیتی کشور توصیه می‌شود برای کاهش پرخاشگری در دانش‌آموزان، بسته‌های حمایتی و آموزشی از سلامت روان دانش‌آموزان را به‌صورت کارگاههای آموزشی جلسات مشاوره‌ای و موردکاوی طراحی و پیاده‌سازی کنند. در ضمن با تدارک برنامه‌های درمانی فرزندپروری مثبت برای والدین پرخاشگری دانش‌آموزان را درمان کنند. در پایان پیشنهاد می‌شود که در پژوهشهای آتی از ابزار مصاحبه عمیق با روشهای کیفی استفاده شود. همچنین توصیه می‌شود که اثر میانجی سایر متغیر روانشناختی مانند تنظیم شناختی هیجان یا راهبردهای مقابله‌ای در ارتباط میان تعارضات والد - فرزند و عملکرد خانواده با پرخاشگری موردبررسی قرار گیرد.

1. Tondows

منابع

REFERENCES

ابوالمعالی، خدیجه؛ افضلی‌قادی، مونا و بیدخوری، سمیرا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی کنترل خشم براساس سبکهای هویت در نوجوانان دختر. *پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۸* (۱)، ۳۵-۴۴.

اکبری، داوود؛ وثوقی‌راد، مریم و حسن‌زاده، ایوب. (۱۳۹۹). پرخاشگری در دانش‌آموزان و راهکار پیشگیری ازآن در مدرسه. *کنفرانس ملی پژوهش در روانشناسی*، ساری، دانشگاه ادیب مازندران.

باقری، فریبرز. (۱۳۹۲). الگوی ارتباط والد ـ فرزند، مدل نظری فرزندباوری بر مبنای هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱* (۱)، ۵-۳۸.

پورسینا،زهرا؛ طهماسیان،کارینه و صادقی، منصوره‌السادات. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای ایمنی هیجانی در رابطه بین کارکرد خانواده و مشکلات رفتاری کودک. *دو فصلنامه روانشناسی خانواده، ۱* (۲)،۶۹-۷۸.

حسینیان، سیمین؛ یزدی، سیده منور و جاسبی، منیژه. (۱۳۸۶). رابطه بین سطح سلامت خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان دبیر آموزش و پرورش شهرستان کرج. *پژوهشهای تربیتی و روانشناختی، ۳* (۱)، ۶۳-۷۶.

درتاج، فریبرز؛ مصائبی، اسدا... و اسدزاده، حسن. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۲ساله. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۳* (۴)، ۶۲-۷۲.

زابلی، پریسا؛ ثنایی ذاکر، باقر و حمیدی، منصورعلی.(۱۳۸۴). سنجش سودمندی روش نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض دختران با مادران دانش‌آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران. *پژوهش‌های مشاوره (تازه ها و پژوهش‌های مشاوره)*، ۴ (۱۳)،۸۱-۹۸.

سلیمی، رضا؛ بهبودی، عباس و مولوی، معصومه. (۱۳۹۶). عوامل پرخاشگری دانش‌آموزان و راهکارهای آن. *چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری*، تهران، دانشگاه نیکان.

شایق‌بروجنی، بهار؛ منشئی، غلامرضا و سجادیان، ایلناز. (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی آموزش ذهن آگاهی نوجوان محور و آموزش تنظیم هیجان بر پرخاشگری و اضطراب نوجوانان دختر مبتلابه اختلال دوقطبی نوع II. *دستاوردهای روان‌شناختی، ۲۶* (۲)، ۶۷-۸۸.

گنجی، حمزه. (۱۴۰۰). *ارزشیابی شخصیت*. ویرایش دوم. تهران: نشر ساوالان.

متقی‌فر، غلامرضا. (۱۳۸۳). هویت و بحران هویت با تأکید بر دوران جوانی. *معرفت، ۱۰۱*، ۸۶ -۸۶.

مرزبان، عباس؛ عابدی، محمدرضا و نیلفروشان، پریسا. (۱۳۹۷). مقایسه تأثیر روشهای مشاوره مسیر شغلی مبتنی بر نظریه شناختی‌اجتماعی و رسالت‌محور بر اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۱۰ (۳۵)، ۶۱-۸۰.

ملکی، صدیقه؛ فلاحی‌خشکناب، مسعود؛ رهگوی، ابوالفضل و رهگذر، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت کنترل خشم بر پرخاشگری دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۲ سال. *نشریه پرستاری ایران*،۲۴ (۶۹)،۲۶-۳۵.

میرزایی‌کوتنایی، فرشته؛ حسین‌خانزاده، عباسعلی؛ اصغری، فرهاد و شاکری‌نیا، ایرج. (۱۳۹۴). نقش انسجام خانواده در تبیین رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۲ (۲)،۷۳-۸۴.

Akers, R. L., & Jennings, W. G. (2019). The social learning theory of crime and deviance. In M. D. Krohn, N. Hendrix, H. G. Penly, & A. J. Lizotte (Eds.) *Handbook on crime and deviance* pp. 113-129). Springer.

Anderson, C. A., & Carnagey, N. L. (2009). Causal effects of violent sports video games on aggression: Is it competitiveness or violent content?. *Journal of Experimental Social Psychology*, *45*(4), 731-739.

Archer, S. L. (1982). The lower age boundaries of identity development. *Child Development*, *53*(6), 1551-1556.

Bandura, A., Ross, D., & Ross, S. A. (1961). Transmission of aggression through imitation of aggressive models. *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, *63*(3), 575-582.

Bandura, A., & Walters, R. H. (1977). *Social learning theory* (Vol. 1). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, *4*(3), 268-282.

_____. (1990). Self-construction over the life span: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in personal construct psychology A research annual,* Vol. 1, pp. 155-186). Elsevier Science/JAI Press.

Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smits, I., Papini, D. R., & Goossens, L. (2013). Development and validation of the revised Identity Style Inventory (ISI-5): Factor structure, reliability, and validity. *Psychological Assessment*, *25*(3), 893-904.

Bojana, D. M., Jasmina, K. S., Valentina, S. T., & Ilija, M. Z. (2016). Empathy and peer violence among adolescents: Moderation effect of gender. *School Psychology International, 37*(4), 359-377.

Boutin, S., Temcheff, C. E., & Déry, M. (2021). The use of indirect aggression among boys and girls with and without conduct problems: Trajectories from childhood to adolescence. *Research on Child and Adolescent Psychopathology*, *49*(1), 77-89.

Branje, S. (2018). Development of parent-adolescent relationships: Conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives*, *12*(3), 171-176.

Buboltz, W. C., Jr., Johnson, P., & Woller, K. M. P. (2003). Psychological reactance in college students: Family-of-origin predictors. *Journal of Counseling & Development*, *81*(3), 311-317.

Cockrell, P., & Moen, M. (2021). The link between parental practices and the aggressive behaviour of learners with moderate intellectual dysfunction. *Tydskrif vir Geesteswetenskappe*, *61*(2), 568-587.

Dmitrieva, J., Chen, C., Greenberger, E., & Gil-Rivas, V. (2004). Family relationships and adolescent psychosocial outcomes: Converging findings from Eastern and Western cultures. *Journal of Research on Adolescence*, *14*(4), 425-447.

Dollard, J., Miller, N. E., Doob, L. W., Mowrer, O. H., & Sears, R. R. (1939). Psychological principles: I. In J. Dollard, N. E. Miller, L. W. Doob, O. H. Mowrer, & R. R. Sears, *Frustration and aggression* (pp. 27-38). Yale University Press.

Elham, K. (2016). The relation between identity styles and family cohesion with tendency to the aggressive behaviors in students of boys high school in Qazvin City. *Biomedical and Pharmacology Journal*, *9*(2), 799-808.

Erikson, E. (1968). *Identity, youth and crisis.* New York: Wiley.

Feldman, R., Masalha, S., & Derdikman-Eiron, R. (2010). Conflict resolution in the parent-child, marital, and peer contexts and children's aggression in the peer group: A process-oriented cultural perspective. *Developmental Psychology*, *46*(2), 310-325.

Fine, M. A., Moreland, J. R., & Schwebel, A. I. (1983). Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*, *19*(5), 703-713.

Fitriyani, H., Komalasari, G., & Fitri, S. (2020, August). The effect of Adlerian group counseling on improving counselor trainees' awareness of the family of origin. In *Proceedings of 1st Progress in Social Science, Humanities and Education Research Symposium (PSSHERS 2019)* (pp. 584-588). Atlantis Press.

Gardner, B. C., Busby, D. M., Burr, B. K., & Lyon, S. E. (2011). Getting to the root of relationship attributions: Family-of-origin perspectives on self and partner views. *Contemporary Family Therapy: An International Journal, 33*(3), 253–272.

Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family-of-origin scale. *Journal of Marital and Family Therapy, 11*(3), 287-297.

Itahashi, T., Okada, N., Ando, S., Yamasaki, S., Koshiyama, D., Morita, K., ... Hashimoto, R. I. (2020). Functional connectomes linking child-parent relationships with psychological problems in adolescence. *NeuroImage*, *219*, 117013.

Jia, G., Li, X., Chu, Y., & Dai, H. (2021). Function of family of origin and current quality of life: Exploring the mediator role of resilience in Chinese patients with type 2 diabetes. *International Journal of Diabetes in Developing Countries*, *41*(2), 346-353.

Jona, C. M., Labuschagne, I., Mercieca, E. C., Fisher, F., Gluyas, C., Stout, J. C., & Andrews, S. C. (2017). Families affected by huntington's disease report difficulties in communication, emotional involvement, and problem solving. *Journal of Huntington's Disease*, *6*(3), 169-177.

Ladd, G. W. (2005). *Children's peer relations and social competence: A century of progress*. Yale University Press.

Lahav-Kadmiel, Z., & Brunstein-Klomek, A. (2018). Bullying victimization and depressive symptoms in adolescence: The moderating role of parent-child conflicts among boys and girls. *Journal of Adolescence*, *68*, 152-158.

Lei, H., Chiu, M. M., Quan, J., & Zhou, W. (2020). Effect of self-control on aggression among students in China: A meta-analysis. *Children and Youth Services Review*, *116*, 105107.

Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology, 3*(5), 551-558.

Mastrotheodoros, S., Van der Graaff, J., Deković, M., Meeus, W. H. J., & Branje, S. (2020). Parent-adolescent conflict across adolescence: Trajectories of informant discrepancies and associations with personality types. *Journal of Youth and Adolescence, 49*(1), 119-135.

Merrin, G. J., Davis, J. P., Berry, D., & Espelage, D. L. (2018). Developmental changes in deviant and violent behaviors from early to late adolescence: Associations with parental monitoring and peer deviance. *Psychology of Violence*, *9*(2), 196-208.

Meter, D. J., Ehrenreich, S. E., Beron, K., & Underwood, M. K. (2021). Listening in: How parent-child communication relates to social and physical aggression. *Journal of Child and Family Studies*, *30*(6), 1540-1553.

Michiels, D., Grietens, H., Onghena, P., & Kuppens, S. (2008). Parent-child interactions and relational aggression in peer relationships. *Developmental Review*, *28*(4), 522-540.

Miller, P. A., Lloyd, C. A., & Beard, R. (2017). Preadolescents' coping goals and strategies in response to postdivorce interparental conflict. *Qualitative Psychology*, *4*(3), 260-280.

Moore, S. E., Norman, R. E., Sly, P. D., Whitehouse, A. J. O., Zubrick, S. R., & Scott, J. (2014). Adolescent peer aggression and its association with mental health and substance use in an Australian cohort. *Journal of Adolescence, 37*(1), 11-21.

Muñoz-Fernández, N., & Sánchez-Jiménez, V. (2020). Cyber-aggression and psychological aggression in adolescent couples: A short-term longitudinal study on prevalence and common and differential predictors. *Computers in Human Behavior*, *104*, 106191.

Nivette, A., Sutherland, A., Eisner, M., & Murray, J. (2019). Sex differences in adolescent physical aggression: Evidence from sixty-three low-and middle-income countries. *Aggressive Behavior*, *45*(1), 82-92.

Oliveros, A. D., & Coleman, A. S. (2021). Does emotion regulation mediate the relation between family-of-origin violence and intimate partner violence?. *Journal of Interpersonal Violence*, *36*(19-20), 9416-9435.

Öngen, D. E. (2011). The relationships among perfectionism, self criticism and identity styles in Turkish university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 565-572.

Özdemir, M., & Stattin, H. (2011). Bullies, victims, and bully-victims: A longitudinal examination of the effects of bullying-victimization experiences on youth well-being. *Journal of Aggression, Conflict and Peace Research*, *3*(2), 97-102.

Pederson, F. A., Anderson, B. T., & Cain, R. L. (1977). *An approach to understanding linkages between the parent-infant and spouse relationships.* Paper presented at the Society for Research in Child Development, New Orleans.

Rollins, P., Williams, A., & Sims, P. (2018). Family dynamics: Family-of-origin cohesion during adolescence and adult romantic relationships. *Contemporary Family Therapy*, *40*(2), 128-137.

Ruiz-Esteban, C., Méndez, I., Fernández-Sogorb, A., & Álvarez Teruel, J. D. (2021). Perfectionism classes and aggression in adolescents. *Frontiers in Psychology*, *12*, 686380.

Sharma, A. (2012). Correlates of juvenile delinquency: The role of family environment and self-esteem. *Advances in Asian Social Science*, *4*(1), 773-777.

Smetana, J. G., & Rote, W. M. (2019). Adolescent-parent relationships: Progress, processes, and prospects. *Annual Review of Developmental Psychology*, *1*, 41-68.

Tondows, C. S., Feijó, M. R., Silva, E. A., de Paula Gebara, C. F., Sanchez, Z. M., & Noto, A. R. (2014). Intergenerational patterns of family violence related to alcohol abuse: A genogram-based study. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 27(4), 806-814.

Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being?. *Journal of Adolescence*, *28*(3), 397-409.

Wang, Y., Fu, C., & Wang, M. (2021). The additive and interactive effects of parental harsh discipline and boys' gender-related traits on boys' externalizing problem behaviors. *Children and Youth Services Review*, *122*, Article 105908.

Waterman, A. S. (2007). Doing well: The relationship of identity status to three conceptions of well-being. *Identity: An International Journal of Theory and Research, 7*(4), 289-307.

Weiser, D. A., & Weigel, D. J. (2017). Exploring intergenerational patterns of infidelity. *Personal Relationships, 24*(4), 933-952.

Xie, X., Chen, W., Lei, L., Xing, C., & Zhang, Y. (2016). The relationship between personality types and prosocial behavior and aggression in Chinese adolescents. *Personality and Individual Differences*, *95*, 56-61.

Yeh, K. H. (2011). Mediating effects of negative emotions in parent-child conflict on adolescent problem behavior. *Asian Journal of Social Psychology, 14*(4), 236-245.

Yeh, K. H., Tsao, W. C., & Chen, W. W. (2010). Parent-child conflict and psychological maladjustment: A mediational analysis with reciprocal filial belief and perceived threat. *International Journal of Psychology*, *45*(2), 131-139.

Zagefka, H., Clarke, Z., Kabeli, G., Lundy, C., Plumtree, A., & Smith, G. (2021). Lay beliefs about romantic relationships: A mediator of the effect of family dysfunction on romantic relationship satisfaction. *Journal of Adult Development*, *28*(4), 299–308.

Zhong, X., Wu, D., Nie, X., Xia, J., Li, M., Lei, F., ... Mahendran, R. (2016). Parenting style, resilience, and mental health of community-dwelling elderly adults in China. *BMC Geriatrics*, *16*, 135.

Quarterly Journal of
Family and Research

The Effect of Parent-Child Conflict and Original Family Function on Aggression with the Mediation of Identity Styles in Female Students*

■ S. Mohammadi[1] ■ M. Pourshahriari, Ph.D.[2] ■ Y. Yarahmadi, Ph.D.[3]

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the effect of parent-child conflict and the original family function on aggression with the mediation of identity styles in female students. The statistical population of the study was comprised of senior high school students in Kermanshah city. In order to draw the sample, cluster random sampling method was utilized and 384 students were selected. The research instruments included Eysenck & Glyn Wilson's Aggression Questionnaire (1975), Parent-Child Relationship Scale (Fine et al., 1983), the Family-of-Origin Scale (Hovestadt et al., 1985) and Identity Style Inventory (Berzonsky et al., 2013). The reliability and validity of the research tools was confirmed through content validity, confirmatory factor analysis and calculation of Cronbach's alpha coefficient. Data analysis was done using structural equation modeling (SEM) and partial least squares (PLS) using SPSS25 and Smartpls3 software. The results of the research indicated that the parent-child conflict and original family function directly and indirectly had an impact on the aggression of female students of senior high school students through identity styles. Accordingly, it can be concluded that it is possible to reduce students' aggression by diminishing the parent-child conflicts, strengthening the family function and also directing identity styles in a proper way.

Keywords: parent-child conflict, original family function, aggression, identity styles

Date received: May 29, 2023 **Date accepted:** Dec. 31, 2023

* *This article is derived from the first author's Doctoral Dissertation.*

1. Doctoral Student of Counselling, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran.
E-mail: shmohamadi.8081@gmail.com

2. **Corresponding Author:** Retired Associate Professor of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Al-Zahra University, Tehran, Iran
E-mail: pourshahriari@alzahra.ac.ir

3. Assistant Professor of Psychology, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran.
E-mail: yyarahmadi@gmail.com